


The Financial Resources and Methods of Combating Poverty in Mecca based on the Revelation Order of the Meccan Surahs of the Holy Quran

Seyyed Zia al-Din Kiaalhoseini  Assistant Professor, Department of Economics, Mofid University
Received: 2024/07/16 - Accepted: 2024/10/10 kiaalhoseini@mofidu.ac.ir

Abstract

Many Surahs and verses of the Quran address the issue of poverty and how to combat it. The Quran places important social responsibilities on the shoulders of Muslims. As the first and most important place where the verses of the Quran were revealed, Mecca faced poverty and deprivation before and after the Prophethood. In order to become familiar with the evolution of the sources and methods of combating poverty, it is necessary to study them based on the revelation order of the Surahs of the Holy Quran. This article seeks to introduce and compare the sources and methods used in Mecca. This study was conducted using library documents, content analysis and interpretation methods. The results show that due to the spread of poverty, slavery, and hunger in Mecca, God made honoring orphans, feeding the poor, helping relatives, and helping the needy obligatory in the initial surah of the Quran, but in the later surahs, zakat, giving for a better society (infaq), known rights, charity, and interest-free lending were made obligatory as the most important resources and methods of combating poverty. Paying attention to these findings can be useful for policymaking and combating poverty both in the absence and presence of an Islamic government.

Keywords: The Holy Quran, revelation order, Meccan and Medinan surahs, combating poverty, financial resources.

JEL classification: H29; H53; L30; L40; Z12.

منابع مالی و روش‌های مقابله با فقر در مکه به ترتیب نزول سوره مکی قرآن کریم

kiaalhoseini@mofidu.ac.ir

سیدضیاءالدین کیاالحسینی  / استادیار دپارتمان اقتصاد دانشگاه مفید

دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۶ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹

چکیده

سوره‌ها و آیات زیادی از قرآن به مسئله فقر و نحوه مقابله با آن تصریح دارد و مسئولیت‌های اجتماعی مهمی بر عهده مسلمانان گذاشته است. مکه به‌عنوان اولین و مهم‌ترین محل نزول آیات قرآن، قبل و بعد از بعثت با فقر و محرومیت مواجه بود. برای آشنایی با سیر تحولات منابع و روش‌های مقابله با فقر ضروری است تا آنها را بر اساس ترتیب نزول سوره قرآن کریم مورد مطالعه قرار دهیم. هدف این مقاله معرفی این منابع و روش‌ها در مکه و مقایسه آنها با همدیگر است. این بررسی با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوا و تفسیری صورت گرفته است. نتایج مقاله نشان می‌دهد به دلیل گسترش فقر و برده‌داری و گرسنگی در مکه، خداوند در سوره ابتدایی قرآن، اکرام ایتم، اطعام مساکین، ماعون و مساعدت نزدیکان را واجب کرد؛ اما در سوره‌های بعدی مواردی مثل زکات، انفاق، حق معلوم، صدقه، قرض حسن را به‌عنوان مهم‌ترین منابع و روش‌های مقابله با فقر واجب شد. توجه به این یافته‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاری مقابله با فقر در شرایط فقدان حکومت اسلامی و همچنین در وضعیت وجود حکومت اسلامی مفید باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، ترتیب نزول، سور مکی و مدنی، مقابله با فقر، منابع مالی.

طبقه‌بندی JEL: H29; H53; L30; L40; Z12

فقر و نابرابری اقتصادی از مشکلات و مسائلی است که همیشه با زندگی اجتماعی بشر همراه بوده است. شرط موفقیت همهٔ مصلحان اعم از پیامبران و رهبران سیاسی یا دولتمردان در گرو برنامه‌های موفق در راستای محو و یا حداقل کاهش این پدیدهٔ شوم اجتماعی بوده و می‌باشد. اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی که تعالی و ارتقای زندگی بشر در همهٔ عرصه‌ها هدف آن است، برنامه‌ها و وظایف مختلفی را برای این مهم ارائه نموده است که در یک قالب کلی می‌توان آن را به دستورات ایجابی و سلبی تقسیم نمود. دستوره‌های ایجابی شامل لزوم پرداخت زکات، خمس، احسان به نزدیکان، انفاق، اطعام فقرا و مساکین، حق‌المعلوم، حق‌الحصاد و موارد دیگر است. در نقطهٔ مقابل، نهی و تحریم ربا، ظلم، تصرف مال از طریق باطل، انجام معاملات باطله و دوری از صفاتی مثل بخل، شح نفس، انحصارطلبی و خودبرتربینی نمونه‌هایی از دستورات سلبی اسلام می‌باشد. لذا از آغاز بعثت جنبه‌های اجتماعی اسلام و مقابله با فقر و برده‌داری و گسترش روابط انسانی و احسان به نزدیکان و دیگر انسان‌ها و تعلیمی شبیه به آن سبب شد تا متمولین قریش به مخالفت شدید با پیامبر و مؤمنان بپردازند (ابن هشام، ۱۳۷۵ق، ج ۱، ص ۳۱۸).

منابع اسلامی از دیرباز دوران نبوت پیامبر اکرم ﷺ را به دو دورهٔ قبل و بعد از هجرت تقسیم می‌کنند. این تقسیم‌بندی به دلیل تفاوت‌های مختلفی که بین این دو دوره وجود داشت، انجام پذیرفت؛ تفاوت‌هایی مثل سخت‌گیری مشرکان مکه بر اهل ایمان و استقبال مردم یشرب از دین جدید و بیعت با پیامبر، تفاوت در تعداد مسلمانان در دو دوره، رنج‌های اهل ایمان در مکه و گشایش در مدینه، تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام، گسترش روزافزون اسلام و همچنین وقوع جهاد و غزوات و سرایای مختلف، تقابل با ادیان مختلف و پیروان آنان بعد از هجرت از اهم آن می‌باشد. اما یکی از مشخصات بارز قبل از هجرت سختی‌ها و رنج‌هایی بود که از جانب مشرکان مکه بر پیامبر ﷺ و مسلمانان تحمیل می‌شد؛ رنج‌هایی مثل انواع شکنجه‌ها، گرسنگی و تحریم مسلمانان از بارزترین آنها بود (جواد علی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۹-۱۷۷). بنابراین وضعیت اقتصادی مسلمانان روزبه‌روز سخت‌تر شد به‌نحوی که مسلمانان در دو نوبت در سال پنجم بعثت به حبشه هجرت کردند (یعقوبی، ۱۳۳۸ق، ج ۱، ص ۳۴۵ و ۴۱۴) و بعد از آن از سال هفتم تا دهم با تحریم قریش در شعب ابی‌طالب زندگی بسیار سختی را گذراندند (یعقوبی، ۱۳۳۸ق، ج ۱، ص ۳۸۹-۳۹۰).

طی این دوران سخت، قرآن کریم با آیات حیات‌بخش خود مسلمانان را به پایداری و استقامت و معاضدت اجتماعی برای مقابله با آن فقر گستردهٔ جامعهٔ مکه که ثمرهٔ دوران جاهلیت و مخالفت گستردهٔ مشرکین با مسلمانان بود، دعوت می‌کرد. در آن زمان بیشتر مسلمانان از طبقات پایین اجتماعی و اقتصادی و یا از بردگان بودند (جواد علی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۸). قرآن به‌عنوان مجموعه دستورات حیات‌بخش، آموزه‌های زیادی برای عبور از این سختی‌ها در طی ۱۳ سال به مسلمانان ارائه نمود. هدف این مقاله بررسی منابع و روش‌هایی است که خداوند به تدریج و به حسب نزول سوره مکی، برای مقابله با فقر و نابرابری و گسترش همیاری‌های اجتماعی در جامعهٔ مکه معرفی کرده

است. در این راستا، مقاله به دنبال پاسخ این سؤال است که منابع و روش‌های مقابله با فقر در مکه چه می‌باشد؟ سؤالات فرعی این مقاله عبارت‌اند از: ترتیب این منابع و روش‌ها چگونه است؟ رابطه این منابع و روش‌ها با همدیگر چگونه است؟ فرایند تکمیل این موارد چگونه بود؟

مقاله متشکل از چند بخش است: بخش اول مقدمه مقاله است؛ در بخش دوم مختصراً به پیشینه موضوع پرداخته و بخش سوم نیز به نحو اجمال به وضعیت اقتصادی و اجتماعی طبقات مردم در مکه در زمان بعثت می‌پردازد؛ ترتیب نزول سوره‌های قرآن در بخش چهارم مقاله بررسی می‌شود؛ در بخش پنجم، آیات مرتبط با منابع و روش‌های مبارزه با فقر که در مکه نازل شده‌اند، به ترتیب نزول مطرح و بر اساس تفاسیر مختلف مورد تحلیل قرار می‌گیرند. به دلیل تفصیل مباحث این بخش، آن را به چهار زیر بخش تقسیم نمودیم؛ و در بخش پایانی نتایج حاصل از مقاله مطرح می‌گردد.

پیشینه پژوهش

مقابله با پدیده فقر از دیر زمان از نظر دینی، فلسفی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و تربیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و آثار فراوانی در این زمینه تدوین شده است. اهمیت این مهم در آموزه‌های اسلام و در تعالیم قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه طاهرين ﷺ از بدیهیات بوده و عمده منابع دینی بالاخص کتب تفسیر و فقه به اهمیت مقابله با فقر و روش‌ها و منابع آن پرداخته‌اند. در کتب تفسیر قرآن، این مباحث در ذیل آیات زکات، انفاق، صدقه، فقر و... ذکر شده است که این مختصر را مجال تفصیل آن نیست.

در دهه‌های اخیر اقتصاددانان مسلمان نیز آثار زیادی را به این موضوع اختصاص داده‌اند که به معرفی اجمالی بعضی از آنها می‌پردازیم. کتاب فقر و توسعه در منابع دینی توسط سیدهادی حسینی (۱۳۷۵) تدوین شده است. نویسنده با استفاده از آیات قرآن و احادیث معصومین ﷺ موضوع‌شناسی فقر، انواع آن، شاخص‌های فقر و توسعه، نظامات سیاسی و اجتماعی حاکم و انواع فقر و راه‌های مختلف امحای آن را تشریح می‌کند. محمد بیستونی تحلیل فقر و ثروت از دیدگاه اسلام (۱۳۷۷) را بیان می‌کند. او معتقد است برای بیان علت فقر در اسلام دو دیدگاه مطرح است: یکی علت سلبی که طبق آن خداوند برای انسان فقر را اراده نکرده است و دیگری علت اثباتی که بر اساس آن خداوند راه‌های مشروع و ممکن را برای کسب درآمد و ثروت مقرر کرده است. فراهانی فرد (۱۳۷۸) به فقر و انواع فقر و نگرش مکاتب مختلف بالاخص اسلام پرداخته و راه‌های پیشگیری و ریشه کن کردن آن را مطرح می‌کند. حسینی شاهرودی مقابله شریعت با فقر، فساد و تبعیض را در سال ۱۳۸۴ تبیین کرد. مجتبی باقری تودشکی و یدالله دادگر در سال ۱۳۸۷ مطالعه تطبیقی حد فقر شریعت را انجام دادند. همچنین محمدمهدی عسگری و حسین میسمی به تحلیل نقش مؤلفه‌های توسعه انسانی در بهبود فقر و توزیع درآمد از دیدگاه اسلامی در سال ۱۳۸۸ پرداختند. محمدمهدی عسگری و حسین غفورزاده آرانی (۱۳۹۳) به تحلیل مقایسه‌ای شاخص فقر چند بعدی در اسلام و اقتصاد متعارف و سیدمحمد رضا سید نورانی (۱۳۹۳) به ارزیابی روشی شاخص‌های فقر و نابرابری با تأکید بر حقوق اقتصادی

در اسلام در سال ۱۳۹۳ پرداختند. اما مجموعه ۴ جلدی پدیده‌شناسی فقر و توسعه (۱۳۹۳) در قالب فصول مختلف به فقر، فساد اجتماعی، علل و عوامل آن، مبارزه با ناهنجاری‌ها می‌پردازد و در هر بخش و در قالب مباحثی مستقل دیدگاه اسلام در آن مورد مطرح می‌گردد. مرتضی کیا در کتاب *منهای فقر* (۱۳۹۵) با طرح دیدگاه محمدرضا حکیمی، ضرورت دستیابی به جامعه و حکومتی در تراز اسلامی که فقر در آن وجود نداشته باشد را بیان می‌کند. طیبه و مسعود بلوردهی (۱۳۹۳) نقش فقر در دین‌گریزی و راهکارهای اسلام برای مقابله با آن را بررسی کردند. بهمن زینلی در سال ۱۳۹۹ به تحلیلی بر شیوه مواجهه پیامبر اکرم ﷺ با چالش‌های مهاجران در مدینه به‌طور معین کمبود مسکن، فقر و بیکاری پرداخت. اما سجاد جنابادی و سیداحمد حبیب‌نژاد (۱۴۰۰) با روش فقه مقاصدی به فقرزدایی از نگاه اسلام مورد مطالعه قرار دادند. مضافاً اینکه کتاب *الفقر و الفقراء فی نظر الاسلام* (۱۹۹۹) مجموعه مقالاتی است که از طرف الازهر چاپ و منتشر شده است. در بعضی از فصول این مجموعه مبانی نظری مبارزه اسلام با فقر بیان شده است. حامد محمود مرسی در کتاب *المنهج الاسلامی لعلاج مشکله الفقر* (۲۰۰۷) به تبیین رویکرد تفسیقی اسلامی برای درمان مشکل فقر پرداخته است. او معتقد است این امر مستلزم مطالعه‌ای جامع در زمینه‌های فقه عبادی، فقه معاملات، مالیه اسلامی، تاریخ اسلام و اقتصاد اسلامی است. یوسف قرضای (۲۰۰۸) در کتاب *مشکله الفقر و کیف علاجها الاسلام* معتقد است که دیدگاه اسلام به فقر و رفع و ابزارهای رفع آن و حقوق فقرا در اسلام و کفالت اسلام از حاجات فقرا متمایز از دیگر مذاهب در طی تاریخ است.

بررسی منابع مرتبط که در فوق مختصری از آنها ذکر شده است، نشان از آن دارد که در هیچ‌یک از آنها روش‌های مقابله با فقر به ترتیب نزول سور قرآن مورد مطالعه قرار نگرفته است. در کتب تفسیر نیز در ذیل آیات مرتبط با موضوع مقاله مطالب خوبی مطرح شده است؛ لکن هدف مقاله را تأمین نمی‌کند؛ زیرا اولاً هر آیه به‌طور منفرد مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته است؛ ثانیاً آیات به ترتیب نزول مورد بررسی قرار نگرفته و ثالثاً همه روش‌ها و منابع مقابله با فقر با همدیگر مورد تحلیل قرار نگرفته است. لذا مقاله حاضر درصدد است تا منابع و روش‌های فردی و اجتماعی مقابله با فقر را در قرآن کریم و بر اساس ترتیب نزول سوره‌های آن در مکه مورد مطالعه قرار دهد؛ چراکه در عصر نزول جامعه اسلامی دچار تحولات اجتماعی و اقتصادی زیادی گردید؛ مثلاً در ابتدای بعثت عمده ایمان‌آوردگان از فرودستان و بردگان بوده و در عسر و سختی شدیدی زندگی می‌کردند و لذا مساعدت متمولین از اهل ایمان گسترده‌تر بود، ولی بعد از هجرت و همه‌گیر شدن اسلام از یک طرف و تشکیل حکومت اسلامی از طرف دیگر اقتضا می‌کرد تا این پرداخت‌های مالی (مثل همه نظامات مالی) منظم و سازماندهی شود.

۱. وضعیت اقتصادی و اجتماعی طبقات مردم در مکه در زمان بعثت

در عرب جاهلی، شرک و بت‌پرستی که از زمان عمروبن‌لُحی رواج یافت (آیتی، ۱۳۵۹، ص ۷؛ جواد علی، ۱۳۹۱، ص ۵۴)، منشأ رفتارها، سنی بود که بدان «سنت جاهلی» اطلاق شده و سبب انحطاط جامعه گردید. رواج افعالی مثل

زنا، فحشا، ازدواج با محارم، سرقت، راهزنی نمونه‌هایی از آنهاست (یعقوبی، ۱۳۳۸ق، ج ۱، ۶۳۶-۶۶۶). عبدالمطلب برای مقابله با این رفتارها قوانینی را وضع و اجرا نمود (طبری، ۱۳۶۳، ص ۸۳۸؛ صدر، ۱۳۷۴، ص ۱۳-۲۲). مشخصات جغرافیایی مکه به همراه خانه خدا و امنیت تاریخی آن و تجمع مردم در موسم حج و عمره سبب شد تا تجارت، رکن اساسی اقتصاد آن شهر را تشکیل دهد (سوره قریش). وجود صحرای طولانی به همراه تجارت نیز موجب شد تا در کنار تجارت، مشاغل مثل کاروان‌داری، تأمین امنیت کاروان‌های تجاری و برده‌داری (با هدف تجارت برده یا برای کارهای سخت) در مکه پررونق باشد (فیاض، ۱۳۳۵، ص ۳۵-۳۶؛ جواد علی، ۱۳۹۱، ص ۷۶-۷۷).

تاریخچه طولانی تجارت سبب شد تا ثروت زیادی از سرزمین‌های دور مثل ایران، روم، هند و سرزمین‌های نزدیک مثل طائف، یمن و عراق به مکه سرازیر و توزیع درآمد آنجا بسیار نابرابر گردیده و بالمآل سبب تعمیق نابرابری‌های اجتماعی و فقر گردد. تأمین مالی این تجارت پرسود اسباب گسترش و ترویج ربا به جای تجارت عادلانه و بیع گردید (بقره: ۲۷۵-۲۷۶؛ آل عمران: ۱۳۰)، تا جایی که علاوه بر ربای قرضی که از قبل متداول بود، ربای جدیدی را ابداع کردند که طبق آن اگر خریدار در موقع مقرر نتواند بهای کالا را پرداخت نماید، با شرط دو برابر شدن قیمت به او مهلت داده می‌شد و اگر بعد از آن قادر به پرداخت قیمت نشود، خود خریدار به جای کالا به مالکیت و بردگی فروشنده درمی‌آمد (بخش فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، ص ۸۰)؛ لذا وجود انواع ربا سبب گسترش فقر و بردگی می‌گردید.

کامبود منابع مالی در بخش کشاورزی نیز سبب می‌شد تا کشاورزان در مقابل قرض، زمین را به صورت رهن در اختیار قرض‌دهنده قرار دهند و آنان نیز مجبور بودند تا خرما و انگور و دیگر محصولات را روی درخت و محصول جو و گندمشان را قبل از رسیدن بفروشند. بنابراین فاصله فقیر و غنی زیادت‌ر شده و نابرابری درآمدی و فقر گسترش یافته بود. گاهی اوقات نیز صاحب زمین کم مجبور می‌شد در مقابل بدهی خود از زمینش دست بردارد و آن را به طلبکارش واگذار نماید (جواد علی، ۱۹۷۵، ج ۷، ص ۴۳۳).

وجود نظام قبیله‌ای و اشراف به همراه توزیع نابرابر درآمد و ثروت، موجب شکل‌گیری نوع خاصی از روابط اجتماعی گردید. ثروتمندان بسیار سنگدل و خشن و بی‌رحم بودند؛ آنها اموال ایتام و طبقات فرودست را به راحتی به نفع خود تصرف می‌کردند. همچنین مردان، زنان بیوه را به نکاح خود درآورده و با این عقد اموال و فرزندان زن به مرد منتقل شده و بعد از مدتی همگی آنها را رها نموده و همه اموال برای مرد باقی می‌ماند (نساء: ۱۹؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۷۶). این امر سبب گسترش تعداد ایتام بدون مال و پشتوانه مالی و گسترش فقر می‌گردید.

۲. ترتیب نزول سوره‌های قرآن

یکی از مباحث مهم در علوم قرآن ترتیب سور قرآن کریم می‌باشد. عمدتاً دو روش برای این مهم وجود دارد: یکی از آنها مبتنی بر نقل روایات و شواهد تاریخی و دیگری مبتنی بر شواهد تجربی است. محققان مسلمان از روش اول

استفاده نموده و عمده مستشرقان از روش دوم استفاده می‌کنند. عبدالکریم بهجت‌پور در کتاب تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، مبانی، اصول، قواعد و فوائد به نحو تفصیلی هر دو روش را مطرح و نتایج را در قالب جداول مختلفی ارائه نموده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۲۹-۳۴۸).

برای اختصار، در این مقاله آنچه که از مصحف دانشگاه الازهر (رامیار، ۱۳۶۳، ص ۶۶۲) و هادی معرفت نقل شده را مفروض تلقی می‌کنیم. تحقیق معرفت مبتنی بر روایت امام صادق علیه السلام و ابن عباس می‌باشد (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۰۳). بنا بر هر دو نقل، مجموعاً ۸۶ سوره مکی می‌باشند که از سوره علق شروع شده و سوره مطففین آخرین سوره مکی است. این سوره‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: علق، قلم، مزمل، مدثر، حمد، مسد، تکویر، اعلی، لیل، فجر، ضحی، انشراح، عصر، عادیات، کوثر، تکاثر، ماعون، کافرون، فیل، فلق، ناس، اخلاص، نجم، عبس، قدر، شمس، بروج، تین، قریش، قارعه، قیامت، همزه، مرسلات، ق، بلد، طارق، قمر، ص، اعراف، جن، یس، فرقان، فاطر، مریم، طه، واقعه، شعراء، نمل، قصص، اسراء، یونس، هود، یوسف، حجر، انعام، صافات، لقمان، سبأ، زمر، مومن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جائیه، احقاف، ذاریات، غاشیه، کهف، نحل، نوح، ابراهیم، انبیاء، مؤمنون، سجده، طور، ملک، حاقه، معارج، نبأ، نازعات، انفطار، انشقاق، روم، عنکبوت و مطففین (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۰-۱۷۸).

۳. بررسی منابع و روش‌های مقابله با فقر در سوره مکی به ترتیب نزول

برای تسهیل در بررسی سوره‌ها، آنها را در ۴ بخش ۲۰ سوره‌ای تقسیم می‌کنیم که طبیعتاً در بخش آخر ۲۶ سوره قرار می‌گیرد.

۳-۱. سوره علق تا فلق

در سوره قلم، آیات ۱۷ تا ۳۳ به داستان افراد (برادرانی) می‌پردازد که مالک باغی در یمن و یا سرزمینی دیگری (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۴، ص ۳۹۳) بودند. خصلت بخل و سستی ایمان سبب شد تا آنان در هنگام برداشت محصول خرما و یا دیگر محصولات (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۶۰۷) مساکین و محرومان را از این مهم مطلع نکرده و در تاریکی ابتدای صبح برای برداشت محصول حرکت کنند ولی هنگام رسیدن به باغ آن را سوخته و سیاه مثل شب ظلمانی یافتند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹، ص ۲۱). یکی از آنان که از همه عادل‌تر و خیرخواه‌تر بود، آنان را متوجه اشتباه‌شان نمود و فهمیدند که این امر به سبب ردیله بخل و فراموشی یاد خدا و منع محرومان از محصولات باغ بوده و فوراً به درگاه خداوند توبه کرده و متوجه عذاب و حرمان آخرت شدند که شدیدتر از دنیاست. طبری معتقد است که پدر این افراد قوت سال خود را از باغ برداشته و مازاد آن را انفاق می‌کرد. قرطبی احتمال وجود و تطوع در این آیه را مطرح کرده، ولی معتقد است دلالت بر وجوب اظهار است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۴۶). تفسیر نمونه معتقد است که با توجه به ادله دیگر، آیه دلالت بر استحباب دارد بالاخص در مورد محصولات زراعی و باغی (که مواد غذایی و از کالاهای اساسی است). روایات وارده بر پرداخت سهمی از آن بر نیازمندان حاضر تأکید دارد که به آن حق الحصاد (انعام: ۱۴۱)

گویند که غیر از زکات معروف است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۴، ص ۴۰۴). اما از بین رفتن باغ و وصف (انا کنا طاغین)؛ وعید عقاب دنیا و آخرت در آیه ۳۳ دلیل بر وجوب این امر در مکه می‌باشد. در نهایت می‌توان گفت در این سوره خصیصه بخل مورد نکوهش قرار گرفته و نوعی حق مثل حق الحصاد برای فقرا مقرر می‌گردد.

در آیه بیستم سوره مزمل، در بیانی طولانی وظایف چهارگانه (اقامه نماز، ایتای زکات، انفاق در راه خدا و استغفار) را به مسلمانان مجاهد متذکر می‌شود. طبری معتقد است که مراد خداوند از زکات در این آیه، زکات واجب و از قرض الحسنه پرداخت‌های استحبایی است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹، ص ۸۸)، ولی فخر رازی می‌گوید اگر آیه آخر را مکی بدانیم، مراد از زکات، زکات فطره است و اگر آن را زکات مال بدانیم، باید آیه را مدنی بدانیم (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۶۹۵). قرطبی به نقل از قتاده و عکرمه آن را بر زکات واجب و به نقل حارث العکلی بر زکات فطره و بر اساس دو نقل دیگر بر پرداخت‌های تطوعی و کل‌الخیرات حمل کرده است و قرض‌الحسنه را به انفاق در راه خدا تفسیر می‌کند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۵۹۵). بحرانی در *البرهان*، بر اساس روایت سماعه از امام صادق علیه السلام قرض‌الحسنه در این آیه را به غیر زکات تفسیر کرده است (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۲). به دلیل وجود لفظ «صلوة» و «قرضاً حسناً»، علامه طباطبائی معتقد است که مراد از زکات، زکات واجب و این آیه مدنی است؛ مخصوصاً اینکه به جهاد نیز امر شده است و اینکه بعضی گفته‌اند: زکات در مکه واجب شد، ولی نصاب آن تعیین نشد تا در مدینه معین گردید (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۱۵). به نظر تفسیر نمونه خداوند در قالب یک برنامه خودسازی به چهار برنامه نمازهای واجب، زکات واجب، انفاق‌های مستحبی و استغفار در کنار قرائت امر می‌کند. نویسندگان معتقدند این آیه به دلیل ذکر زکات واجب و انفاقات مستحبی در یک آیه، مدنی است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۵، ص ۱۹۷-۱۹۸)، ولی مدرسی «زکات» را کنایه از تمام پرداخت‌های واجبی می‌داند که برای تزکیه نفس و مال تشریح شده و مراد از قرض‌الحسنه کلیه پرداخت‌های مستحبی در راه خدا می‌باشد (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۷، ص ۴۶). فضل‌الله، نیز نظری شبیه به نظر تفسیر نمونه دارد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۳، ص ۱۹۴).

در تفسیر دو آیه ۴۳ و ۴۴ سوره مدثر، تفسیر کبیر معتقد است که عقوبت جهنم دلیل بر وجوب نماز و زکات در آیات ۴۳ و ۴۴ است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۷۱۶)، ولی قرطبی آن را بر صدقه حمل می‌کند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۹، ص ۸۷). علامه طباطبائی معتقد است مراد از «اطعام مسکین» انفاق بر تهی‌دستان است، به مقداری که بتوانند حوائجشان برطرف شود. «اطعام مسکین» اشاره به حق الناس و «صلوة» اشاره به حق الله دارد، و این دو قسم از حق عملاً باید ادا شوند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۵۳). در تفسیر نمونه منظور از اطعام مسکین هرگونه کمک به نیازهای ضروری نیازمندان اعم از خوراک و پوشاک و مسکن و غیر آن می‌باشد، ولی به‌واسطه وعید عذاب آنان معتقدند که منظور از «اطعام مسکین» زکات واجب است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۵، ص ۲۵۳). با توجه به وعید عقاب در آیات قبل و بعد، اطعام مسکین در همه تفاسیر، در مکه امری واجب بود.

در آیات ۵ تا ۱۸ سوره لیل، اهل تقوا، از مازاد اموال خود و آنچه که خدا به آنها تفضل کرده، در پی یاری به ضعفا هستند و در نقطه مقابل نیز افرادی هستند که در این راه بخل ورزیده و احساس بی‌نیازی در مقابل خدا دارند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۴۰). فخر رازی معتقد است که در تفسیر این آیات دو وجه وجود دارد: الف) مراد از اعطاء، انفاق مال در همهٔ وجوه خیر اعم از عتق رقبه و تقویت اسلام و آزادسازی بردگان است - چه واجب باشد و چه مستحب - و ب) اعطای مال شامل ادای حقوق مال و نفس در راه خداست. در ادامه خداوند هشدار می‌دهد که اگر خصیصهٔ بخل را پیشه کند، برای جهان آخرت مال برایش فایده و نفعی ندارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۸۸). صاحبان دو تفسیر *المیزان* و نمونه در تفسیر این آیات معتقدند که اگر کسی به خدا و رسولش و روز واپسین ایمان داشته و مالش را در راه خدا انفاق کند، ثوابی که خدا از طریق رسولش وعده داده را برایش محقق می‌کند و انجام این اعمال را برایش آسان می‌سازد؛ اما اگر بخل (مقابل اعطاء) ورزد، انجام اموری که در جهت سقوط انسانی و عدم رستگاری است، برایش آسان گردیده و اموال جمع‌شده در جهان باقی برایش مفید نمی‌باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۵۰۹-۵۱۶؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۷، ص ۷۳-۸۳). در مجموع آیات این سوره، ردیلهٔ بخل را منشأ سقوط ارزش انسانی و آتش دوزخ دانسته و برای طهارت روح از آن، واجب است مال را به مستحقان ببخشد.

در سورهٔ فجر به طبیعت انسان می‌پردازد که فکر می‌کند اهانت و کرامت الهی منوط به ندادن و اعطای مال از جانب خداوند سبحان است؛ ولی خداوند در رد این قضاوت در آیات ۱۷ تا ۲۰ سبب اهانت را ردیلهٔ بخل و عدم اکرام یتیم و عدم تشویق همدیگر بر امور تهیدستان و مساکین و چپاول میراث دیگران و حب شدید مال دنیا برمی‌شمارد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۷۲-۴۷۵؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۶، ص ۴۶۳-۴۶۸).

سورهٔ ضحی از سوری است که متن آن اختصاص به پیامبر اکرم ﷺ دارد؛ چراکه در آن با مروری اجمالی بر زندگی شریفش و سختی‌ها و حرمان‌هایی مثل یتیم و عدم اطلاع بر اسرار نبوت و کمی مال، اشاره به این دارد که فضل خداوند همگی آنها را جبران نموده و آن وجود شریف را معدن اسرار خلقت و سبب هدایت خلق قرار داده است. در آیات پایانی سوره (آیات ۹-۱۱)، سه دستور مهم اخلاقی به ایشان ارائه شده که همهٔ انسان‌ها مخاطب آن هستند. آنها عبارت‌اند از: ۱. تحقیر نکردن یتیم که منحصر به اطعام و رسیدگی ظاهری از یتیم نیست؛ ۲. از خود دور نکردن سوال‌کننده؛ ۳. بازگو کردن نعمت‌های پروردگار که سبب شکرگزاری گردد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۶، ص ۱۰۱-۱۱۰؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۱۷۹-۱۸۰). گرچه این سوره اختصاص به نبی مکرم ﷺ دارد، ولی رسیدگی به یتیم و نراندن فقیر و شکرگزاری اختصاص به آن وجود شریف نداشته و بر همهٔ انسان‌ها واجب است.

اما تفسیر کلمهٔ «ماعون» مورد اختلاف مفسران است؛ این کلمه به معنای هر عمل و چیزی است که احتیاجات انسان را رفع می‌کند که شامل قرض، هدیه و عاریه و... می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۶۳۵). در روایتی از

پیامبر ﷺ کلمه مزبور، تیر، دیگ، دلو و غیر آنها را شامل است. همچنین در روایتی دیگر از رسول الله ﷺ ماعون از سنگ تا آهن و از آب تا هر چیز دیگر تفسیر شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۴۰۰). در روایتی از امام صادق ﷺ این کلمه شامل قرض و احسان و عاریه و مسائل مورد نیاز است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۴۹۹، ح ۹). مکارم شیرازی ماعون را ضروریات زندگی تفسیر کرده و اضافه می‌کند در معنی «ماعون» احتمالات دیگری نیز گفته‌اند، تا آنجا که در تفسیر قرطبی بالغ بر دوازده قول در این زمینه نقل شده که بسیاری از آنها را می‌توان در هم ادغام کرد و مهم همان است که در بالا آوردیم (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۷، ص ۳۶۲). اما مدرسی معتقد است که ترغیب بر طعام مسکین بذاته واجب و ترک آن حرام است؛ زیرا از بارزترین مصادیق زکات، طعام مسکین است؛ چه فرد قادر بر اطعام باشد و یا از نظر مالی قدرت نداشته باشد، ولی می‌تواند دیگران را ترغیب نماید و ماعون نیز به نظر ایشان هر چیزی است که نافع باشد (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۳۸۴). اما طبری در تفسیر «ماعون» روایات فراوانی را نقل کرده که در آن به زکات واجب، حق واجب، مایحتاج ضروری و بعضی از مصادیق آن تفسیر شده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۹۸-۲۰۶). محتوای سوره ماعون تهدید منافقانی است که راندن یتیم، عدم اهتمام به اطعام مساکین و منع ماعون از جانب آنان با ایمان به روز جزا سازگار نمی‌باشد و دلالت بر حرمت این امور و وجوب نقاط مقابل آن دارد.

در این دسته از آیات به اطعام مساکین، رسیدگی به امور یتام و نراندن فقیر امر شده و از ردیله بخل نهی شده است.

۳-۲. سوره ناس تا جن

در سوره بلد آیات ۱۰ تا ۲۰، برای رسیدن به قلّه انسانیت؛ خداوند آزادی بردگان، اطعام یتام و مساکین در روزگار سخت را ذکر می‌کند. طبری بر اساس روایت، عقبه را کوهی در جهنم می‌داند که پلی ندارد. وی همچنین روایات فراوانی را در ثواب آزادسازی بردگان ذکر می‌کند. او همچنین یوم ذی مسغبه را به معنای «روز گرسنگی» و «ذا مقربه» را به معنای «حاجت شدید، ذی فنی که برای تهیه ابزار مالی ندارد، عیالوار و یا زمین‌گیر» معنا کرده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۲۹-۱۳۳). اما فخر رازی به قرینه فک رقبه و همچنین اطعام فقیر و مسکین، «اقتحام الهلکه» را به معنی جهاد انسان با تمایلات نفسانی و شیطانی تفسیر کرده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۱، ص ۱۶۹). علامه طباطبائی «عقبه» را به معنای راه سنگلاخی و دشوار معنا کرده و «اقتحام عقبه» را اشاره به انفاق‌هایی می‌داند که برای منفق بسیار دشوار است و عبارت‌اند از: آزادسازی بنده و اطعام یتیم فامیل و مسکین خاک‌نشین در روزگار سخت (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۹۰-۴۹۵). در تفسیر نمونه می‌خوانیم انسان‌های ناسپاس خود را برای عبور از گردنه صعب‌العبور آماده نکردند که اسباب عبور از آن عبارت‌اند از: خدمت به مردم، کمک به ضعفا و ناتوانان و مجموعه‌ای از عقاید صحیح (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۷، ص ۲۷). مدرسی عقبه را به ردیله بخل و شح

نفس و اقتحام را هم به مبارزه با آن با اکرام و ایثار معنا کرده است که بعضی از مصادیق آن در این سوره ذکر شده است (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۱۲۱). آیات این سوره ردیله بخل را منشأ سقوط ارزش انسانی دانسته و برای عبور از این عقبه آزاد نمودن برده و رسیدگی به امور ایتام و فقرا مطرح کرده است.

در آیه ۱۵۶ سوره اعراف و در جواب به درخواست حضرت موسی علیه السلام، خداوند شمول رحمتش را منحصر به کسانی می‌داند که تقوا پیشه کرده، زکات پردازند و به آیات او ایمان داشته باشند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۶ ص ۳۹۳-۳۹۵). علامه زکات را حق مالی و یا مطلق انفاقات فی سبیل الله می‌داند که موجب افزایش اموال و اصلاح مفاسد اجتماع و ترمیم نواقص آن می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۶۸). بعضی ایتمای زکات در این آیه را بخشش از هر آنچه که انسان از مال و علم و مقام مالک شود، می‌دانند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۷۰). در اولین سوره طولانی مکی، زکات به‌عنوان یک تکلیف واجب و عامل نزول رحمت الهی در تعالیم حضرت موسی علیه السلام معرفی شده است.

در سوره ۲۱ تا ۴۰، تنها در دو سوره بلد و اعراف آیاتی به چشم می‌خورد که با موضوع مقاله ارتباط وثیقی دارند. در سوره بلد آزادسازی بردگان و رسیدگی به امور ایتام و مساکین واجب شده و در چهلمین سوره نیز به زکات به‌عنوان یکی از واجبات حضرت موسی علیه السلام معرفی شده است.

۳-۳. سوره یس تا مؤمن

خداوند در آیه ۴۷ سوره یس بیان می‌کند کفار بر شفقت بر خلق خدا بخل می‌ورزند. آنان بر انفاق بخشی از آنچه که خدا به آنها روزی داده، به هموعان خود بخیل‌اند و حال آنکه بندگان خالص با وجود نیاز شدید، دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۲۸۷). اما تفاسیر المیزان، من هدی القرآن و من وحی القرآن می‌گویند دین حق دو رکن دارد: ایمان به خدا و تقوای الهی و انفاق از ما رزقه الله، که مشرکان در هر دو مورد بدان اعتقاد نداشته و بین اراده تشریحی و اراده تکوینی خداوند خلط کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۳۶-۱۳۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱، ص ۱۴۲-۱۴۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص ۱۵۲-۱۵۳). تفسیر نمونه نیز به نوعی استدلال کفار را به لجajt و فرومایگی منکران دعوت حق در همه اعصار می‌داند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۸، ص ۴۰۱-۴۰۵).

در آیه ۶۸ سوره فرقان، اسراف به تجاوز و اقترا به کاهش هزینه از حدی که خداوند مباح دانسته تفسیر شده است. در تمامی کتاب‌های تفسیر و بر اساس روایات مصادیق فراوانی برای هر یک ذکر شده است؛ مثل روایت امام کاظم علیه السلام که می‌فرمایند: «انفاق متمولین، عبارت از مقداری که لازم است و انفاق بیچارگان نیز عبارت از مقداری که قدرت و توانایی دارند» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۵۶، ح ۸). منظور از عدم اسراف را عدم هزینه در منهی عنه و عدم اقترا را عدم کوتاهی در هزینه موارد حق می‌باشد؛ نوشیدن لباس فاخر و نخوردن غذاهای گران‌قیمت نیز مصادیق عدم اسراف عنوان شده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹، ص ۲۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۳، ص ۷۲-۷۴).

براساس آیه ۲۹ سوره فاطر، علما برای تعظیم خداوند سبحان، خشیت (عمل قلبی)، تلاوت کتاب (عمل لسانی) و اقامه نماز و انفاق (عمل جوارحی) را انجام می‌دهند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۳۳۶؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۸، ص ۲۵۱). مراد از انفاق در پنهان، صدقه و مراد از انفاق در علانیه، زکات می‌باشد که خداوند آنان را می‌ستاید (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۲۳۷؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۶۰). انفاق در خفا و آشکار نوعی شکرگزاری عمیق به درگاه ایزدی بابت مالی است که در اختیار ماست (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، ص ۱۰۸).

آیه ۱۳ سوره مریم در مورد حضرت یحیی علیه السلام است که به نظر همه مفسران کلمه زکات به معنای پاکي و طهارت روح و جان به کار رفته است. دو آیه بعدی، آیه ۳۱ و ۵۵ می‌باشد؛ آیه ۳۱ دلالت بر این دارد که در شریعت عیسی علیه السلام نماز و زکات تشریع شده بود. منظور از نماز توجه بندگی خاص به درگاه خدا و منظور از زکات نیز انفاق مالی است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۶۲). آنها دو عمل واجبی است که آن حضرت برای اثبات رسالتش در صیابت بدان امر کردند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۹)؛ اما در آیه ۵۵ اسماعیل صادق‌الوعدیه به پرداخت زکات امر می‌کند. مفسران متأخر معتقدند اسماعیل در این آیه، فرزند حزقیل است. فخر رازی می‌گوید مثل عمده آیات قرآن که زکات اگر با صلوة ذکر شده، دلالت بر زکات واجب دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۵۵۰)، ولی در تفسیر نمونه زکات در این آیه به رابطه انسانی با دیگر انسان‌ها و انجام کارهای خیر برای رضای خداست (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۹۵). در سوره مریم علیه السلام سه آیه مشتمل بر کلمه زکات است که همگی مربوط به انبیای سلف می‌باشد. در دو آیه ۳۱ و ۵۵ به زکات واجب امر شده که سیاق آیه دلالت بر وجوب آن دارد.

در آیات آغازین سوره نمل خداوند پرداخت زکات را از جمله صفات اهل ایمان برمی‌شمارد که به طاعت خداوند با مال است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۵۴۱). طبری زکات در این آیه را زکات واجب دانسته (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۹، ص ۴۸۱)، اما علامه طباطبائی زکات در این آیه را مثل اکثر آیات مشابه به آنچه که مربوط به مردم و یا امور مالی است، تفسیر کردند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۴۸۲). اما اطلاق آیه دلالت بر وجوب زکات دارد.

آیات ۲۶ تا ۲۹ سوره اسراء به بعضی از شرایط انفاق می‌پردازد: اولاً پرداخت به ذی‌القربی، مساکین و در راه‌ماندگان از موارد مهم انفاق می‌باشد؛ ثانیاً نباید در مسیر غیرحقوق و غیرمنطقی (تذیر) انفاق کرد؛ ثالثاً اگر امکانات و شرایط برای پاسخ‌گویی فراهم نبود، باید با گفتاری سنجیده و با محبت با نیازمندان برخورد کرد؛ رابعاً مثل آیه ۶۸ سوره فرقان، در این مهم نه باید بخل ورزید و نه اسراف کرد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۲، ص ۸۹). کنز‌العرفان، «ذا القربی» را به اقربای پیامبر علیه السلام برگردانده و مراد از حق آنان را خمس می‌داند (فاضل سیوری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۵۲-۲۵۷). در مجموع با توجه به موارد مصرف مذکور در آیه (ذی‌القربی، مساکین و در راه‌ماندگان)، منظور انفاق واجب است.

در آیات آغازین سوره لقمان - مثل آیات آغازین سوره نمل - در قالب دستورات عمومی، برای سعادت‌مندی مؤمنان، به زکات امر شده است. در این آیه نیز زکات واجب است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۳۹). علامه طباطبائی هم مثل

سوره نمل، زکات در این آیه را به آنچه که مربوط به مردم و یا امور مالی است، تفسیر کردند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۱۳). تفسیر نمونه نیز زکات در این آیه را به رابطه انسان با خلق خدا تفسیر می‌کند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۷، ص ۱۱). اما مدرسی کلمه «زکات» در این آیه و آیات مشابه را مجرد یک واجب که مؤمن آن را ادا کند، نمی‌داند، بلکه منظور برنامه‌ای برای تربیت روح برای احسان و تنزیه آن از حب خود به سوی دیگرنگری است (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۱۲۴-۱۲۶). در مجموع، اطلاق آیه دلالت بر وجوب دارد.

در آیه ۳۹ سوره سبأ، خداوند خود را جبران‌کننده انفاق معرفی می‌کند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۲، ص ۶۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۱-۲۱۰؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۸۰). انفاق تجارت پر سودی است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۸، ص ۱۱۷). در عمده کتب تفسیری روایات فراوانی در این مورد وارد شده است. از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده: «هر روز صبح دو ملک از جانب خداوند بر بندگان نازل شده و یکی از آنها عرضه می‌دارد: خدایا مال فرد منفق را جبران کن و دیگری عرضه می‌دارد: مال فرد ممسک را تلف کن» (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۲۵).

در این مجموعه از آیات در چند مورد به انفاق به ذی‌القربی، مساکین و در راه‌ماندگان امر شده و همچنین وجوب زکات توسط انبیای بنی‌اسرائیل و چند جا در اسلام بیان شده است.

۳-۴. سوره فصلت تا مطففین

در سوره شوری، آیه ۳۸، خداوند انفاق را از صفات اهل ایمان برمی‌شمارد، لکن اطلاق آیه دلالت بر این دارد که منظور آیه تنها انفاق مالی نبوده، بلکه جمیع نعمی که خدا به انسان بخشیده، موضوع انفاق می‌باشد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۰، ص ۶۲۴-۶۲۶؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۳۷۶). ولی علامه آن را منحصر در انفاق مال می‌دانند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۹۳). بعضی معتقدند انفاق بیانگر روحیه بخشش است که اسلام آن را تبدیل به عبادت کرده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۰، ص ۱۹۲).

در آیات آغازین سوره فصلت، عدم پرداخت زکات و عدم اعتقاد به قیامت از خصائص مشرکان شمرده شده (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۴۸؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۰، ص ۲۱۵)، که ضد دلسوزی نسبت به هموعان است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۷، ص ۵۴۲). این آیه با صراحت وجوب زکات بر کافر را اثبات می‌کند (فاضل سیوری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۲۲). عمده مفسران قائل‌اند که مراد از زکات در این آیه مطلق انفاق مال در راه خدا به مساکین و فقراست؛ زیرا این سوره مکی بوده و زکات فقهی در مدینه واجب شده بود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۴۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۱۶۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۰، ص ۹۲). گرچه عمده مفسران معتقدند که آیه دلالت بر زکات فقهی نمی‌کند، ولی با توجه به آیات قبل و بعد که مربوط به مشرکان و وعید عقاب برای آنان است، حمل آن بر انفاق مستحب بعید به نظر می‌رسد، بلکه دلالت بر وجوب نموده، ولی نصاب آن در مدینه معین شده است.

در آیات ۱۶ تا ۲۰ سوره ذاریات، به توصیف متقین اختصاص دارد که از جمله آن قرار دادن سهمی از اموالشان برای درخواست کنندگان و محرومان است. طبری و قرطبی قائل اند که منظور از حق سائل، زکات است و منظور از محروم طبقاتی هستند که جزء مصارف زکات نمی باشند و برای مصادیق آن افرادی را ذکر می کنند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶، ص ۱۲۴-۱۲۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۷، ص ۳۷-۴۰). آیه در مقام برانگیختن متقین به انفاق است و لذا بعد از امر به انفاق، رفع موانع انفاق را ذکر می کند که رزاقیت خداوند است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۱۷۰). از آنجا که متقین با فطرت خود مساعدت اجتماعی را درک می کنند؛ لذا قرآن با جمله خبریه از فعل خیر آنها خبر می دهد (فاضل سیوری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۲۶؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۵۵۴؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۲، ص ۳۲۳). اما مدرسی معتقد است چون تنها بر متقین - و نه افراد عادی - لازم است، پس حقی غیر از زکات است؛ زیرا زکات یک واجب عمومی است (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۴، ص ۳۲). استفاده کلمه (حق) دلالت صریح بر وجوب این پرداخت دارد؛ گرچه نامی بر آن نهاده نشده و تنها موارد مصرف آن (سائل و محروم) ذکر شده است.

در آیه ۹۰ سوره نحل خداوند یک دستورالعمل کلی و منشوری جهانی که قوام جوامع بشری بر آن استوار بوده و هم جنبه اثباتی و هم جنبه سلبی دارد را بیان می کند. در بخش اثباتی، به عدل و احسان و ایتای ذی القربی امر شده است؛ با این تفاوت که احسان بخشش و انفاقی عمومی است، ولی ایتای ذی القربی انفاق به بستگان است. در بخش سلبی نیز از فحشا و منکر و تجاوز به حقوق دیگران نهی شده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۷۷-۴۵۰؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص ۳۶۷-۳۷۴). همچنین فخر رازی معتقد است عدل مقدار واجب از افعال و امور نیک بوده و احسان عبارت از مازاد بر مقدار واجب به حسب کمیت، کیفیت و بقیه موارد است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ص ۲۶۱). فاضل مقداد و بحرانی مثل سایر موارد مشابه، «ذی القربی» را به آل رسول الله ﷺ و حق آنان را به خمس تفسیر می کنند (فاضل سیوری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۵۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۴۷-۴۴۹). اینکه موضوع امر، عدالت بوده و حال آنکه عقل مستقل نیز بدان امر کرده و آن را لازم می داند؛ می توان نتیجه گرفت که آیه دلالت بر وجوب شرعی عدالت دارد و با همان سیاق دو مورد دیگر یعنی احسان به دیگران و ایتا به نزدیکان نیز هم تراز با عدالت، واجب می باشد.

پیام آیه ۳۱ سوره ابراهیم این است که انسان ها با ایمان خود و مالشان را مقید می کنند، اما خودشان مقید به حدود الهی (نماز) و اموالشان به (زکات) مقید شده و عاقبت ترک آن عدم سعادت در آخرت خواهد بود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۹۶-۹۷؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۸۱-۸۲). مثل آیات مشابه، بعضی از مفسران معتقدند مراد خداوند از انفاق پنهانی، صدقات و انفاق علنی، زکات واجب می باشد.

آیه ۷۳ سوره انبیاء در دنباله آیات قبل به وظایف امامت می پردازد. آنها علاوه بر ابلاغ که وظیفه نبوت است، مکلف به اجرا و اقامه می باشند. لذا اقامه نماز و ایتای زکات از جمله دستورات انبیای عظامی که از مقام امامت برخوردارند، ذکر شده است که خاندان ابراهیم ﷺ از مصادیق آن هستند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۲۸-۴۳۱؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳،

ج ۱۳، ص ۴۵۴-۴۵۷). از قرار گرفتن زکات در کنار نماز و اینکه از وظایف امام و دستورات اوست، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از زکات، امری واجب و بلکه از ارکان یک جامعه الهی بوده و مفهومی عمومی‌تر از زکات مصطلح می‌باشد.

در آیات ابتدایی سوره مؤمنون نیز ایثای زکات در کنار دیگر ویژگی‌های حمیده، از خصوصیات و مشخصات اهل ایمان ذکر شده است. به نظر طبری و فخر رازی منظور از زکات در این آیه، زکات اموال است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۸، ص ۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۶۱). در *المیزان* زکات به معنای انفاق مالی تفسیر شده است. به نظر ایشان، انسان به سعادت نمی‌رسد، مگر اینکه در اجتماع سعادت‌مند زندگی کند. در این اجتماع طبقات مختلف مردم از شرایط زندگی و بهره‌مندی از لوازم زندگی به هم نزدیک‌ترند. انفاق مال از بهترین عوامل و ابزارها برای وصول این هدف است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۰). اما مدرسی قائل است که زکات معنایی اعم از زکات مال دارد و شامل همه نعم الهی است (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۱۵۱). گرچه شاید الفاظ آیه دلالت بر حکم زکات ننماید، ولی اینکه در کنار دیگر تکالیف به‌عنوان یک منشور سعادت جامعه انسانی ذکر شده، پس با نوعی الزام همراه می‌باشد.

در سوره سجده، آیه ۱۶ در کنار خصائصی مثل شب‌زنده‌داری، خوف از خداوند، ذکر حمد و تسبیح خداوند، انفاق را از خصوصیات مؤمنان برمی‌شمارد. عمده مفسران با تکیه بر روایات مرتبط با این آیه، آن را به همه نعمت‌های الهی تفسیر می‌کنند. آیه ۳۴ سوره حاقه، علت راندن افراد به جحیم را عدم ایمان به خدا و عدم توجه به اطعام مساکین معرفی می‌کند. در این آیه تنها اطعام مورد نظر نیست، بلکه ترغیب دیگران به این مهم مورد توجه خداوند است؛ زیرا در صورت عمومی شدن این مهم، می‌توان به امحای فقر امید داشت (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۴، ص ۴۷۰-۴۷۱). زمخشری برای بزرگی گناه عدم ترغیب بر اطعام محتاجان دو دلیل ارائه می‌کند: اولاً عطف این فعل به کفر و قرین بودن این دو در این آیه و ثانیاً خداوند تنها حضرا را ذکر کرده تا همه بدانند که وقتی تارک حضرا تا این درجه سقوط می‌کند، پس نتیجه برای عدم فعل اطعام شدیدتر خواهد بود (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۰۵). در واقع در اینجا دو فعل حرام انجام شده است؛ یکی عدم اطعام و دیگری عدم امر به معروف و دعوت دیگران بدان (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۳۰۹). اینکه عدم رسیدگی به امور مساکین در کنار عدم ایمان قرار گرفته، خود دلالت بر اهمیت این امر اجتماعی - اقتصادی دارد؛ وعید عقاب نیز به‌راحتی دلالت بر وجوب اطعام مساکین (رسیدگی به امور آنها) دارد.

دو آیه ۲۴ و ۲۵ سوره معارج نیز انفاق را سبب سعادت مؤمنان نمازگزار برشمرده و اینکه در اموال آنان حق و سهمی برای سائل و محروم وجود دارد. طبری در تفسیر این آیه به همان مستندات تفسیر آیات ۱۶ تا ۲۰ سوره ذاریات تمسک و همان رأی را دارد. فخر رازی معتقد است مراد از حق معلوم، زکات است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۶۴۵). اما علامه طباطبائی و تفسیر نمونه، بر اساس روایات باب قائل‌اند که منظور از «حق معلوم» غیر از زکات است؛ زیرا در این آیه، حق معلوم اختصاص به سائل و محروم دارد و حال آنکه مصارف زکات هشت گروه می‌باشند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۲۱-۲۳؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۲۴، ص ۲۴-۲۵). و بعضی از مفسران معتقدند مراد از حق معلوم،

حقی است که فرد بر خود لازم می‌دارد؛ مثل آیات ۱۶ تا ۲۰ سوره ذاریات، استفاده از کلمه (حق) دلالت صریح بر وجوب این پرداخت دارد؛ گرچه نامی بر آن نهاده نشده و تنها موارد مصرف آن (سائل و محروم) ذکر شده است.

در سوره روم خداوند بسط و قبض رزق را به خود نسبت می‌دهد و لذا در آیات ۳۶ تا ۳۸، به ادای حق اقربا و مساکین و در راه‌ماندگان امر می‌کند که سبب گشایش در روزی و زندگی می‌شود (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۳۵). علامه معتقدند اگر آیه مکی باشد، منظور از «حق»، مطلق احسان است و الا منظور از آن، خمس می‌باشد؛ ایشان مدنی بودن آیات را تقویت می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۷۶-۲۷۷)، ولی تفسیر نمونه مکی بودن را ترجیح می‌دهد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۴۴۲). فخررازی معتقد است حتی اگر زکات بر مال آدمی تعلق نگیرد، باز هم پرداخت به این سه گروه واجب است؛ زیرا بعضی از ذی‌القربی واجب‌النفقه هستند، مسکین هم فقیر محرومی است که اگر مورد مساعدت قرار نگیرد، جانس در معرض خطر است و «ابن‌السبیل» نیز این‌گونه است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۰۲-۱۰۴). در آیه ۳۹ دو نمونه از انفاقات که یکی برای خدا و دیگری به منظور رسیدن به مطامع دنیا است بیان شده است؛ یکی از آنها ربا یا اعطای مال برای رسیدن به رضایت انسان‌ها برای وصول به اموال بیشتر (بنا به نظر بعضی از مفسران) است و دیگری زکات یا اعطای مال به خداوند برای کسب رضایت اوست که اولی در نزد خداوند هیچ خیری نداشت، ولی دومی (زکات) سبب اجر و پاداش فراوان می‌شود.

دقت در دسته چهارم نشان از این دارد که در آخرین سوره‌های مکی امر به مبارزه با فقر بیشتر و گستره موارد آن نیز افزایش یافته است. در این سوره‌ها این موارد به چشم می‌خورد: انفاق، زکات، وجود حقی برای سائلان و محرومان، عدل و احسان و ایاتی ذی‌القربی، اجرای زکات توسط انبیای عظام، اطعام مساکین، ادای حق اقربا و مساکین و در راه‌ماندگان. همچنین امر به انفاق و بالاخص زکات در چند سوره وارد شده است که این امر به دلایلی مثل افزایش تعداد مسلمانان، سختگیری بیشتر مشرکان، محاصره اقتصادی در شعب ابی‌طالب و هجرت مسلمانان به حبشه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

بررسی سوره قرآن کریم بر اساس ترتیب نزول نشان می‌دهد که خداوند به رسیدگی به امور ایتم در سوره فجر، ضحی، ماعون و بلد امر می‌کند که همگی از سوری هستند که در سال‌های اول بعثت نازل شده‌اند. اطعام مساکین نیز در سوره قلم، مدثر، ماعون، بلد و حاقه، که این سوره‌ها نیز در سال‌های اول نازل شدند، مورد امر قرار گرفته است؛ زیرا در ابتدای بعثت، ایتم، فقرا و گرسنگان زیادی در مکه بودند. در همین راستا در سوره ضحی، اسراء، معارج و روم به رسیدگی به امور مساکین امر شده است. ترغیب همدیگر بر اطعام مساکین (امور تهیدستان) در سوره قلم، فجر و حاقه ذکر و مساعدت بستگان و ذوی‌القربی در سوره بلد، اسراء، نحل و روم مورد امر خداوند قرار گرفتند. اما نکته قابل ذکر این است که خداوند در دو سوره اسراء و روم، ذوی‌القربی و مساکین و در راه‌ماندگان را صاحبان حق می‌داند، اما امر به ماعون (رفع نیازهای عمومی و روزمره) تنها در سوره ماعون ذکر شده است.

آزادسازی بردگان نیز در سور ابتدایی نازل شده در مکه مورد امر قرار گرفته است؛ از این رو در تاریخ اسلام آزادی بندگان زیادی ثبت شده است. در این مقطع زمانی بردگانی مثل بلال (تستری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۹۳)، عامر بن فهیره توسط پیامبر ﷺ (تستری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۶۲۱)، صهیب رومی توسط عبدالله بن جزان (ابن اثیر، ۱۹۹۴، ج ۲، ص ۷۲۶)، زبیره رومی (ابن اثیر، ۱۹۹۴، ج ۷، ص ۱۲۴) و همچنین ابوفکیه غیر عربی و ام عیسیٰ توسط ابوبکر خریداری و آزاد شدند (ابن اثیر، ۱۹۹۴، ج ۵، ص ۲۴۸). ابوحذیفه غلام خود سالم مولی ابی حذیفه را آزاد و به فرزندخواندگی خود پذیرفت (ابن هشام، ۳۷۵ق، ج ۱، ص ۳۴۹)؛ لذا در سورهٔ بلد به آزادسازی بندگان امر شده است. همچنین احسان در سورهٔ نحل، توجه به امور سائلین در سور ضحی، ذاریات و معارج و مطلق اعطا در سورهٔ لیل ذکر شده است.

بعد از ذکر این مساعدت‌های اجتماعی که عمدتاً روش‌های مقابله با فقر است، در چهلمین سوره (سورهٔ اعراف) زکات به‌عنوان یک منبع مالی برای مقابله با فقر معرفی شده است؛ سپس در سور مریم و انبیاء، از زکات به‌عنوان واجبی در شرایع گذشته (به نحو خاص بنی اسرائیل) یاد شده است. سور نمل، لقمان، فصلت و روم نیز زکات را به‌عنوان واجبی برای مسلمانان ذکر کردند. احکام فقهی زکات در مدینه بیان شد. انفاق نیز به‌عنوان یکی از پر تکرارترین تکالیف مالی در قرآن در سور میانی و پایانی سور مکی یعنی یس، فرقان، فاطر، سبأ، شوری، ابراهیم، سجده، معارج مورد امر خداوند قرار گرفته‌اند.

در مجموع می‌توان کلیهٔ پرداخت‌های مالی در سور مکه را واجب دانست. شرایط سخت مسلمانان و نوپا بودن اسلام و وعدهٔ ثواب به مؤدیان و وعید عقاب به روی گردانان از این اوامر عبادی - اجتماعی از مهم‌ترین ادلهٔ آن است. اما با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و بیعت عمومی مردم با ایشان، آرام آرام و در ابتدا توزیع و مصرف این تبرعات سازماندهی شد، ولی منابع آن همچنان مثل مکه بود. با گسترش اسلام در جزیرهٔ العرب و افزایش تعداد مسلمانان و افزایش منابع مالی و شکل‌گیری نوعی سواری مجانی در پرداخت و توزیع تبرعات مالی، بعضی از این تبرعات مثل زکات و خمس بر اساس نصاب (نرخ) بر مسلمانان واجب و مصارف آن توسط خداوند و یا پیامبر ﷺ معین شد، ولی بسیاری از تبرعات به همان صورت مردمی باقی ماند که به دلیل معین نبودن شرایط فقهی برای پرداخت و مصارف آن، از آن به مستحبات تعبیر می‌شود، ولی آیات قرین با آن نشان‌دهندهٔ وجوب و لزوم آن است.

پیام دیگر مقاله این است که فقر و نابرابری و حرمان پدیده‌هایی هستند که دائماً با جامعهٔ بشری همراه می‌باشند. حال اگر در جامعه‌ای دولت برنامهٔ امحای فقر را در سرلوحه اهداف خود قرار نداده و یا در این مهم هم‌جهت با مردم نباشد، مردم برای کاهش آلام فقر و محرومیت نسبت به هم‌نوعان، تکلیف الهی و انسانی دارند. جامعهٔ مکه در هنگام بعثت حضرت محمد ﷺ یک نمونهٔ کامل از این جامعه است که خداوند سبحان تعاضد اجتماعی را در قالب‌های مختلفی بیان نموده و نوعی تأمین اجتماعی خودکار را به‌وجود آورد که بدون دخالت دولت و تنها بر اساس خودانگیختگی مسلمانان و عنصر ایمان، بهترین کارکرد را داشت. شرکت‌کنندگان در این پیمان نانوشتهٔ اجتماعی - دینی هم جامعهٔ

سعادت‌مندی را در دنیا داشته و هم از اجر معنوی و اخروی بهره‌مند هستند. در نقطهٔ مقابل، با ترک این تکالیف علاوه بر اینکه جامعه روی سعادت نخواهد دید، بلکه افرادی که به هر دلیل از این تکلیف الهی و وجدانی روی‌گردان باشند، در آخرت از فیض و رحمت الهی محروم خواهند بود. و این مهم‌ترین سازوکاری است که می‌توان برای ارتقای سطح این نوع فعالیت‌های بشردوستانه برای همهٔ اعصار در نظر گرفت.

در تاریخ اسلام ملاحظه می‌کنیم که یکی از علل موفقیت مسلمانان در صدر اسلام نفوذ تعالیم الهی و نقش آخرت‌گرایی در همکاری‌های اجتماعی بود که سبب گسترش اسلام و موفقیت آنان در پیشبرد اهداف الهی و اجتماعی گردید. می‌توان گفت که خداوند نوعی نظام تأمین اجتماعی خودجوش و مردمی را بر اساس تعاضد و همیاری اجتماعی طراحی نموده که بدون وجود دولت می‌تواند بخش عظیمی از راهبردهای حمایتی سازمان‌های تأمین اجتماعی امروزی را به سرانجام برساند. منابع این نظام، به حسب مورد متفاوت بوده و مصارف آن عمدهٔ نیازهای اجتماعی؛ مثل ادای قرض، اطعام مساکین و ایتم و نزدیکان و دیگر موارد می‌باشد و حتی مواردی مثل محاصرهٔ مسلمانان در شعب ابی‌طالب که در قالب‌های حمایتی تأمین اجتماعی نیستند، نیز به خوبی توسط این نوع همیاری‌های خداپسندانه پوشش داده شده است. در مدینه نیز مهم‌ترین منبع تأمین مالی جهاد، انفاق و کمک‌های خداپسندانهٔ مؤمنان بود.

منابع

قرآن کریم.

- آیتی، محمدابراهیم (۱۳۵۹). *تاریخ پیامبر اسلام*. به کوشش ابراهیم گرجی. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۹۹۴). *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*. تحقیق: عادل أحمد عبدالموجود و علی محمد المعوض. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن‌هشام، عبدالملک (۱۳۷۵ق.). *السیرة النبویه*. تصحیح: مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلیبی. بیروت: دارالوفاق.
- باقری تودشکی، محتبی و دادگر، یدالله (۱۳۸۶). *مطالعه تطبیقی حد فقر شریعت*. *اقتصاد اسلامی*، ۷(۲۵)، ۳۷-۵۰.
- بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه بعثت.
- بخش فرهنگی جامعه مدرسین (۱۳۸۱). *ربا*. قم: بوستان کتاب.
- بلوردی، طیبیه و بلوردی، مسعود (۱۳۹۳). *نقش فقر در دین‌گریزی و راهکارهای اسلام برای مقابله با آن*. *قرآنی کوثر*، ۱۴(۴۹)، ۷۷-۱۰۰.
- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). *تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، مبانی، اصول، قواعد و فوائد*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بیستونی، محمد (۱۳۷۷). *فقر و ثروت از دیدگاه قرآن و حدیث*. قم: بیان جوان.
- تستری، محمدتقی (۱۴۱۰ق.). *قاموس الرجال*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- جنابادی، سجاد و حبیب‌نژاد، سیداحمد (۱۴۰۰). *فقرزدایی در پرتو رویکرد فقهی به مقاصد الشریعه*. *فقه حکومتی*، ۶(۱۲)، ۵۷-۸۱.
- علی، جواد (۱۳۹۱). *تاریخ عرب در دوران اسلامی*. ترجمه منصور داداش‌زاده. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- _____ (۱۹۷۵). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حسینی شاهرودی، محمد (۱۳۸۴). *مقابله شریعت با فقر، فساد و تبعیض*. *حصون*، ۲(۴)، ۱۵۵-۱۸۳.
- حکیمی، سیدمحمد و حسینی، سیدهادی (۱۳۷۵). *فقر و توسعه در منابع دینی*. قم: بوستان کتاب.
- دفتر تبلیغات اسلامی خراسان (۱۳۹۳). *پدیده‌شناسی فقر و توسعه*. قم: بوستان کتاب.
- رامیار، محمود (۱۳۶۳). *تاریخ قرآن*. تهران: امیرکبیر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقابیل فی وجوه التأویل*. تصحیح: حسین احمد مصطفی. بیروت: دارالکتاب العربی.
- زینی، بهمن (۱۳۹۹). *تحلیلی بر شیوه مواجهه پیامبر اکرم ﷺ با چالش‌های مهاجران در مدینه (مطالعه موردی: کمبود مسکن، فقر و بیکاری)*. *تاریخ اسلام و ایران*، ۳۰(۴۷)، ۱۰۹-۱۳۴.
- سیدنورانی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۳). *ارزیابی روشی شاخص‌های فقر و نابرابری با تأکید بر حقوق اقتصادی در اسلام*. *مجلس و راهبرد*، ۲۱(۷۷)، ۱۹۵-۲۶۶.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴ق.). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- صالح، عبدالله کامل (۱۹۹۹م). *ابحاث ندوه الفقر و الفقراء فی نظر الاسلام*. قاهره: جامعه الازهر.
- صدر، سیدکاظم (۱۳۷۴). *اقتصاد صدر اسلام*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). *تاریخ طبری*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- _____ (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.

- عسگری، محمدمهدی و میسمی، حسین (۱۳۸۸). تحلیل نقش مؤلفه‌های توسعه‌ انسانی در بهبود وضعیت فقر و توزیع درآمد از دیدگاه اسلامی. *جستارهای اقتصادی*، ۶(۱۲)، ۹۱-۱۱۹.
- _____ (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای شاخص فقر چندبعدی در اسلام و اقتصاد متعارف. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۶(۱۲)، ۵۳-۸۲.
- فاضل سیوری، مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. تصحیح: محمداقبر شریف‌زاده. تهران: مرتضوی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۷۸). *نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دارالملاک.
- فیاض، علی‌اکبر (۱۳۳۵). *تاریخ اسلام*. تهران: دانشگاه تهران.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- قرضاوی، یوسف (۲۰۰۸م). *مشکلة الفقر و کیف علاجها الإسلام*. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق). *الکافی*. تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کیا، مرتضی (۱۳۹۵). *منهای فقر*. تهران: فرهنگی علمی الحیاة.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. تهران: دار محبی الحسین.
- مرسی، خالد محمود (۲۰۰۷م). *المنهج الإسلامی لعلاج مشکلة الفقر - الإعجاز الاقتصادي فی القرآن و السنة*. قاهره: جامعة الازهر.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۳). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۳۸ق). *تاریخ طبری*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر.